

صلی الله علیه وسلم فرمود که اذن میکنی که از وی شیر بردارم گفت و الله
 که هرگز نایب هیچ کس سفید تر نیست نشده است اختیار تر است
 رسول الله علیه وسلم آن شیر را پیش فرود آورد دست مبارک
 برستان و نیت آن پیش فرود آورد پس طرفی طلب کرد و چندان شیر
 برداشت که آن طرف برسد همه اصحاب از آن شیر سیر کردند و بیک
 طرف دیگر بدو رسید و پیش امم معبد بگذاشت و با اصحاب از آنجا کوچ
 کرد **در آن وقت** که امم معبد گفته است که آن کس سفید
 مبارک با شیر نجبان در خانه ما بود تا سال ماده زمان امیر المؤمنین
 حضرت ابی ادریس رضی الله عنه با ما داد و شبها نگاهش میدویدم و در چشم
 قبایل آن سال حاصل نمیشد **در آن وقت** که زحمتی در کتاب
 رسید لایزال روایت کرده است از هند خواهر زاده امم معبد
 که وی از امم معبد روایت کرده است که گفت که رسول
 صلی الله علیه وسلم در جبهه من خواب کرد و چون بیدار شد آب
 طلبید و هر دو دست مبارک خود شست و مضمضه را
 در خاری که در طرف جبهه بود ریخت خون با ما در دلم بود

که از آن موضع درختی بزرگ رسیده است و میوه بار آورده پس
 بزرگ و بوی آن چون بوی عنبر و طعم آن چون طعم شکر اگر کسی
 بخورد شیر شد جای او اگر نشسته خورد می سیراگشتی و اگر بیمار
 بصحت پیوستی و مرغ شتر و کوس سفید برک او را بخورد دیگر که شیر وی
 بسیار شدی و ما او را امبارک نام نهاده بودیم و از حمله یا دیها
 بطلب شقای ما را آن بسوی ما آمدند و از میوه آن را می گرفتند
 یک روز با ما آمد کردیم میوه او ریخته بود و بر کهای آن خرد شده
 فرغ بسیار کردیم تا که خبر وفات رسول صلی الله علیه وسلم رسید
 و چون از آن واقعه سی سال گذشت کبر و زیاد کردیم دیدیم که از
 بیخ وی تا شاخ همه جا بار آورده و میوه مای او ریخته تا که خبر
 مفصل امیر المؤمنین عیسی کرم الله وجهه رسید و بعد از آن بکر میوه
 نداد اما از بزرگی می تقه می گرفتیم و یکبار با ما داد کردیم دیدیم که از
 ساق وی خون خالص بیرون آمده است و بر کهای وی بر خورده
 شده در میان در میان آنکه با بسیار مغموم و محزون بودیم که نگاه
 نیز مفصل امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه آوردند بعد از آن در حجت

که از آن موضع